

۲

دستور الکاتب فی تعیین المراتب

اثر محمد بن هندوشاه نخجوانی

○ دکتر عباسقلی غفاری فرد

لالان، گوزپشتان، اخترگویان، جادوگران و کیمیاگران ... اشاره کرده است.^۳ همچنین می‌توان به کتب خراج^۴ رجوع کرد. از همین نوع است کتاب مقدمه ابن خلدون.^۵

برگردیم به معرفی کتاب دستور الکاتب فی تعیین المراتب، در معرفی این کتاب، تکیه نگارنده بر جزء اول از جلد یکم دستور الکاتب، تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده است چه نسخه دیگری از کتاب در اختیار نویسنده این سطور نیست. بدو^۶ شرح مختصری از زندگانی مؤلف مرقوم می‌گردد و سپس محتوای کتاب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

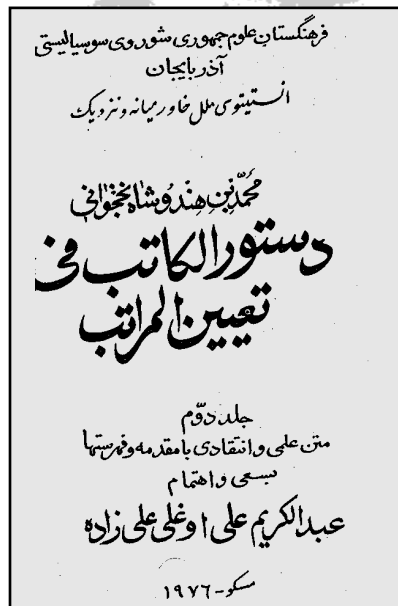
مؤلف کتاب، یعنی محمد، پسر هند و شاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی نخجوان است که این هند و شاه مشهور به نخجوانی و مؤلف کتاب تجارب السلف^۷ می‌باشد. محمد بن هند و شاه با خواجه غیاث الدین پسر رشید الدین فضل‌الله رابطه نزدیکی داشته و کتاب صحاح الفرس^۸ یا صحاح العجم^۹ را به خواجه غیاث الدین تقدیم کرده است. در واقع فکر تالیف دستور الکاتب نیز به غیاث الدین تعلق داشته و غیاث الدین در خلاقیت و طرز تفکر محمد بن هندوشاه تأثیر زیادی داشته است. از گفته‌های مؤلف در مقدمه و خاتمه کتاب چنین بر می‌آید که وی اثر خود را در روزگار پیری و در هفتاد و سه سالگی به انجام رسانیده است. محمد بن هند و شاه کتاب دستور الکاتب فی تعیین المراتب را به سلطان شیخ اویس پسر شیخ حسن بزرگ مؤسس سلسله جلایری^{۱۰} تقدیم کرد.

محمد بن هند و شاه در بخش امور مالی نیز با خواجه غیاث الدین همکاری داشت و در روزگار سلطان ابو سعید ایلخان (۷۳۶-۷۱۶ هـ)، آخرین پادشاه بزرگ مغول ایران، به دیوان مالیه دعوت شده

تاریخ نگاری در ایران دوره اسلامی به طور سنتی عمدتاً به شکل وقایع‌نگاری و شرح مفصل احوال سلاطین، وزرا، امرا و... بوده و کمتر مورخی به طور خاص به نگارش آن چه که امروزه تاریخ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اداری و... خوانده می‌شود توجه داشته است. با این حال به آثار معدودی می‌توان اشاره کرد که بر خلاف سنت معمول، به بررسی تاریخ شاخه‌های مذکور پرداخته و معلومات گران‌بهایی در این زمینه در اختیار پژوهشگران تاریخ قرار داده است.

دستور الکاتب فی تعیین المراتب از جمله معدود آثاری است که به زعم نگارنده کمتر مورد توجه محققان و پژوهشگران ایرانی قرار گرفته در حالی که می‌توان آن را اثری پیشگام برای یک تاریخ‌نگاری علمی، به ویژه در زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی و نیز امور اداری دانست. شگفت این است که آثاری چون تذکرة الملوک^۱ و دستور الملوک^۲ به مراتب بیشتر از دستور الکاتب شناخته شده و نویسندگان و محققان ایرانی از این کتب استفاده زیادی برده‌اند.

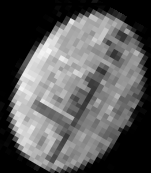
دلیل این امر شاید به محدوده زمانی مورد بحث کتاب مذکور برگردد، چه سلسله صفویه از هر نظر بر سلسله آل جلایر-که مؤلف دستور الکاتب در روزگار آن‌ها می‌زیست- برتری داشته است. شایسته یادآوری است که در تاریخ نگاری اسلامی به طور عام (و نه در ایران به طور خاص) آثاری در ارتباط با مسائل مورد بحث و به شکل رده بندی خاصی وجود دارد. مثلاً ابو عبدالله ذهبی در تقسیم کتب تاریخی، به تاریخ وزرا، اکابر، نواب ممالک و کاتبان بزرگ، تاریخ فقهاء، نحویان، ادیبان و اهل عروض و حساب، تاریخ قاضیان و والیان، پزشکان، فلاسفه، نایبانیان، زمینگیران، ناشنوایان،



- دستور الکاتب فی تعیین المراتب
- تالیف: محمد بن هندوشاه نخجوانی
- به اهتمام: عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده
- ناشر: آکادمی علوم اتحاد شوروی، انستیتوی مل آسیا، مسکو، ۱۹۶۴

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا / دی و بهمن ۱۳۸۰

۵۰



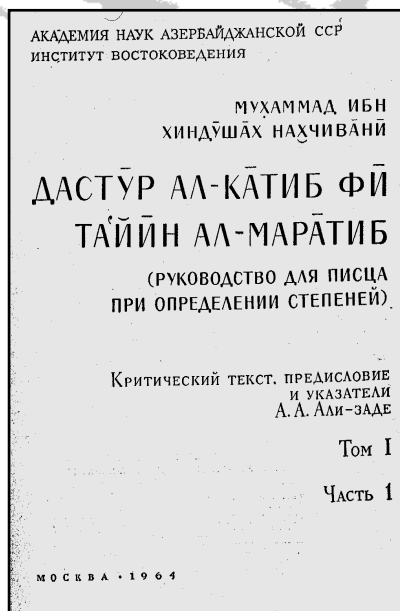


در دستور الکاتب به طور کلی از موضوعات، نامه‌ها، فضیلت کاتب و شرف او، آداب نویسندگان و لوازم آن‌ها، زمان کتابت و موضوعات مربوط به آن سخن به میان آمده و ضمن بحث و بررسی آن‌ها، به اقتضای مطلب، مؤلف شرحی از حوادث تاریخی و حکایات مربوط به خلفا و سلاطین و وزرا نیز بیان داشته که نتیجتاً محتوای کتاب را از حالت خشک و یکنواخت مسائل اداری و دیوانی به صورت روایات دلچسپ تاریخی و ادبی در آورده که خواننده احساس خستگی نمی‌کند

تفصیلی فهرست مطالب آن در این مختصر نمی‌گنجد، به همین دلیل تنها به ذکر خلاصه‌ای از اقسام، مرتبه و فصول آن اکتفا می‌گردد:

دستور الکاتب مشتمل است بر یک مقدمه، دو قسم و یک خاتمه: قسم اول در مکاتبات و مشتمل بر چهار مرتبه؛ مرتبه اول شامل دو ضرب و ضرب اول مشتمل بر سه صورت که در این نوع مکاتبات: القاب نویسندگان نامه‌ها و مخاطبان آن‌ها ذکر می‌گردد. ضرب دوم مشتمل بر بیست فصل که بعد از القاب به متن نامه‌ها می‌پردازد. مرتبه دوم در مکاتبات امراء الوس و وزرا و خوانین و اولاد ایشان و... است و آن هم مشتمل بر دو ضرب می‌باشد؛ ضرب اول شامل القاب و ادعیه طوایف مذکوره و مشتمل بر بیست و شش فصل، ضرب دوم در احوالی که این طوایف به یکدیگر نویسند و مشتمل بر شانزده فصل، مرتبه سوم در مکاتبات اشراف الناس و... که مشتمل بر دو صنف است؛ صنف اول در القاب و ادعیه و مکاتبات اشراف الناس مشتمل بر سی و هشت فصل که مضمونات آن مشتمل بر هفت فصل است. صنف دوم در خطاب اوساط الناس در دوازده فصل است. مرتبه چهارم در مکاتبات مشترک میان سلاطین و امرا و وزرا که مشتمل بر بیست فصل است.^{۱۵}

قسم دوم: در احکام دیوانی و تفویض اعمال به امراء مغول و وزراء و... مشتمل بر دو باب، باب اول مشتمل بر سه ضرب که کلاً شامل تفویض اعمال و مناصب به امراء مغول و اتباع ایشان، در تفویض اعمال و مناصب به وزرا و اصحاب دیوان بزرگ، و در تفویض مناصب شرعی به اصحاب آن می‌باشد. ضرب اول مشتمل بر دوازده فصل است، ضرب دوم مشتمل بر بیست و چهار فصل و ضرب سوم مشتمل بر بیست فصل می‌باشد. باب دوم در احکام مختلفه و مشتمل بر دو ضرب است؛ ضرب اول



بود و از صاحب منصبان دیوان مذکور محسوب می‌گشت. ^{۱۶} خدمت در دیوان مالیه، بر جهان بینی و طبعاً بر روی آثار محمدبن هندوشاه اثری جدی باقی گذاشت. وی با مشاهده اوضاع آشفته کشور که ناشی از سیطره مغولان بود، مانند رشیدالدین فضل الله، وصاف، حمدالله مستوفی، تصمیم گرفت به شرح و وضعیت اسفناک اهالی شهر و روستاها بپردازد. آشنایی نزدیک او با وضع سیاسی و اقتصادی کشور به دلیل خدمت در دیوان مالیه، این امکان را به راحتی برای او فراهم می‌ساخت.^{۱۷}

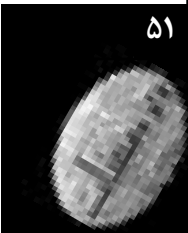
دستور الکاتب به شکل مجموعه نامه‌های نوشته شده و مؤلف نامه‌هایی از نوع خوابیه و شکایات و عریض و همچنین مکاتبات بین اقشار مختلف طبقه حاکم درباره مسائل مختلف و عمدتاً اجتماعی - اقتصادی به عنوان حکمرانان، صاحب منصبان و درجه‌داران و غیره آورده است. نامه‌های مندرج در بخش نخست مانند نامه‌های عادی نیست. در این نامه‌ها علاوه بر عناوین و القاب مرسومه آن زمان، مسائل اجتماعی و اقتصادی نیز انعکاس یافته است. مؤلف کتاب، مطالبی پیرامون مالیات، چه شهری چه روستایی، زندگی شهری، وضع تجارت، راه‌های بازرگانی، مدارس، بیمارستان‌ها، امور ساختمانی و غیره آورده است.^{۱۸}

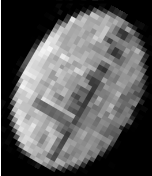
در دستور الکاتب، استعمال اصطلاحات فراوان اجتماعی - اقتصادی، نظامی - سیاسی و اداری و همچنین اصطلاحات و واژه‌های ترکی و مغولی جای خاصی دارد. در واقع دستور الکاتب یکی از دشوارترین متون سده ۱۴ میلادی (۸ هجری) محسوب می‌گردد و مؤلف آن، زبان و ادبیات عربی را به خوبی می‌دانسته است.^{۱۹}

اما در خصوص نسخ دستور الکاتب باید گفت که نسخه دستنویس خود مؤلف ظاهراً مفقود شده و در دسترس نیست. مصحح روسی در نسخه چاپی خود

از شش نسخه نام برده است:

۱. نسخه خطی متعلق به کتابخانه کوپرلی در استانبول (تحت شماره ۱۲۴۱) که یکی از قدیم‌ترین، بهترین و با کیفیت‌ترین نسخ خطی است؛
 ۲. نسخه خطی کتابخانه لیدن (تحت شماره ۵۷۴)؛
 ۳. نسخه خطی موزه بریتانیا (تحت شماره ۳۳۴۴)؛
 ۴. نسخه خطی کتابخانه ملی وین (بدون شماره)؛
 ۵. نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس (تحت شماره ۴۶۳)؛
 ۶. نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس (تحت شماره ۱۳۷۸).^{۱۴}
- در باب مندرجات کتاب باید گفت که ذکر





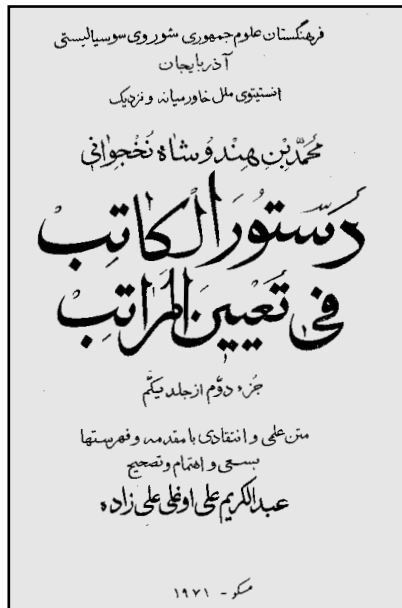
مشمول بر شانزده فصل و ضرب دوم مشتمل بر شش فصل که این دو ضرب کلاً در احسان رعایا و در تهدید مجرمان و منع ایشان است.^{۱۶} خاتمه: در سفارش و شرایطی چند که مؤلف با خوانندگان خود دارد و نیز ذکر التزامات و بیان خواص این کتاب و غیر آن.^{۱۷}

در دستور الکاتب به طور کلی از موضوعات، نامه‌ها، فضیلت کاتب و شرف او، آداب نویسندگان و لوازم آن‌ها، زمان کتابت و موضوعات مذکور در فوق، سخن به میان آمده و ضمن بحث و بررسی آن‌ها، به اقتضاء مطلب، مؤلف شرحی از حوادث تاریخی و حکایات مربوط به خلفا و سلاطین و وزرا نیز بیان داشته که نتیجتاً محتوای کتاب را از حالت خشک و یکنواخت مسائل اداری و دیوانی به صورت روایات دلچسب تاریخی و ادبی در آورده که خواننده احساس خستگی نمی‌کند. مثلاً حکایات مربوط به اسکافی دبیر آل سامان یکی از آن حکایات شگفت و ظریف است که در کتاب اینگونه آمده است: «وقتی امیر نوح سامانی، ابوعلی احمد پسر محمد چغانی را به جنگ ماکان فرستاد و ماکان کشته شد، اسکافی به خواهش سردار امیر نوح که مایل بود این خبر را به وسیله کبوتری بفرستد و برای آن که کبوتر احساس سنگینی نکند، می‌بایستی جمله وقایع را در یکی دو کلمه خلاصه کنند، دو انگشت کاغذ برگرفت و بر روی آن نوشت: «بسم الله الرحمن الرحیم. ماکان صار کاسمه.»^{۱۸}

یعنی ماکان مانند اسم خویش نیست شد و امیر نوح از این فتح چندان تعجب نکرد که از این لفظ.^{۱۹} نهایتاً چنان که گذشت، نگارنده در مقاله حاضر، از نسخه چاپی دستور الکاتب، به تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده سود جسته و این نسخه، مرتبه اول از قسم اول را دربر می‌گیرد و چنان که گفته شد قسم اول دارای چهار مرتبه است. نگارنده از کم و کیف چاپ و تصحیح بقیه مندرجات کتاب اطلاعی ندارد و به هیچ یک از نسخ خطی آن هم دسترسی نیافته است. از مسئولان و دست‌اندرکاران محترم چاپ و نشر، انتظار می‌رود با امکانات موجود خود به تفحص و جستجو پیرامون نسخ خطی و چاپی دستور الکاتب، به کمک اساتید صاحب صلاحیت و اهل فن پرداخته و به جمع‌آوری متنی علمی و انتقادی از این کتاب ارزشمند اقدام فرمایند که جامعه فرهنگی و خانواده بزرگ تاریخ ایران، به ویژه به مندرجات اجتماعی - اقتصادی آن سخت نیازمندند.

پی‌نوشتها:

۱. ر. ک. میرزا سمیعاً: تذکره الملوک، به کوشش محمد دبیر سیاقی، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
۲. ر. ک. میرزا رفیعاً: دستور الملوک، به کوشش



در دستور الکاتب، استعمال اصطلاحات فراوان اجتماعی - اقتصادی، نظامی - سیاسی و اداری و همچنین اصطلاحات و واژه‌های ترکی و مغولی جای خاصی دارد. در واقع دستور الکاتب یکی از دشوارترین متون سده ۱۴ میلادی (۸ هجری) محسوب می‌گردد و مؤلف آن، زبان و ادبیات عربی را به خوبی می‌دانسته است

محمدتقی دانش‌پژوه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره اول و دوم، سال شانزدهم.

۳. روزنتال، فرانتس: تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۸، بخش دوم، ص ۱۰-۲۰۷.

۴. ر. ک. جهشیاری، محمدبن عبدسوس: کتاب الوزراء و الکتاب، بغداد ۱۹۳۸م؛ ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم: کتاب الخراج، ترجمه علی اصغر شماع، کابل، ۱۳۲۵ ق؛ قرشی، یحیی بن آدم: الخراج، قاهره، ۱۳۴۷ ق؛ قدامه بن جعفر، ابی الفرج: کتاب الخراج و صنعة الکتابه، به کوشش حسین خدیوچ، تهران ۱۳۵۳.

۵. ر. ک. ابن خلدون، عبدالرحمان: مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، بنگاه ترجمه نشر کتاب، جلد اول ۱۳۴۵، جلد دوم ۱۳۴۷.

۶. این کتاب با مقدمه عباس اقبال در ۱۳۱۳ ش در تهران چاپ شده است.

۷. ر. ک. محمد بن هندوشاه نخجوانی: صحاح الفرس: به اهتمام دکتر عبدالعلی طاعتی،

بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۱ ش.

۸. محمدبن هند و شاه نخجوانی: دستور الکاتب فی تعیین المراتب، به اهتمام عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده، آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی، انستیتوی ملل آسیا، مسکو ۱۹۶۴، مقدمه، ص ۱۱ (۱۱).

۹. جهت اطلاع بیشتر در مورد این سلسله رجوع کنید به منابع زیر: میرخوانده، میرمحمدبن سید برهان‌الدین خواندشاه: روضة الصفا، انتشارات خیام، ج ۵، ۱۳۳۹ ش؛ خواندمیر، غیاث‌الدین بنی همام‌الدین الحسینی: حبیب‌السير فی اخبار افراد بشر، انتشارات خیام، ج ۳، ۱۳۳۳ ش؛ یحیی بن عبداللطیف الحسینی القزوينی: لب التواریخ، به کوشش سید جلال‌التهرانی، از نشریات مؤسسه خاور، بهمن ۱۳۱۴؛ حافظ ابرو: ذیل جامع التواریخ، با مقدمه دکتر خان بابا بیانی، شرکت تضامنی علمی، ۱۳۱۷ ش؛ مشکور، محمدجواد: تاریخ تبریز، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تیر ماه ۱۳۴۲؛ بیانی، شیرین، تاریخ آل جلایر، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۴۷، ۱۳۴۵ ش.

۱۰. هند و شاه نخجوانی: دستور الکاتب، پیشین دیباچه، ص ۱۱-۱۰ (۱۰-۱۲).

۱۱. همان، ص ۱۱۱-۱۱۱ (۱۲-۱۳).

۱۲. همان، ص ۱۷۱-۱۷۱ (۱۶-۱۴).

۱۳. همان، ص ۱۷۱ (ص ۱۷).

۱۴. همان، ص ۱۷۱-۱۷۱ (۲۶-۱۸).

۱۵. همان، ص ۴۴-۲۸.

۱۶. همان، ص ۵۴-۴۴.

۱۷. همان، ص ۵۴.

۱۸. همان، ص ۱۰۷؛ ماکان بن کاکي پسر عم حسن بن فیروزان از جمله رؤسای گیل و دیلم بودند که در خدمت علویان طبرستان داخل شدند و در آن نواحی قدرت یافتند.

پس از انتقال قدرت به آل زیار و کشمکش‌هایی که میان رؤسای مذکور در گرفت، ماکان به کرمان گریخت و در آن جا متواری می‌زیست. بعد از قتل مرداویج (۳۲۳ هـ)، امیر نصر سامانی به قلمرو آل زیار تاخت و باعمال وشمگیر بن زیار برادر مرداویج به جنگ پرداخت. به فرمان امیر نصر، امیر محمدبن مظفر بن محتاج چغانی و ماکان که اینک عامل سامانی در کرمان بود در این تهاجم شرکت داشتند. در این هنگام ماکان از امیرنصر روی برگرداند و به نزد وشمگیر رفت. امیر نصر، ابوعلی احمد پسر امیرمحمد چغانی را در ۳۲۸ هجری به تسخیر گرگان فرستاد (نام ابوعلی احمد، در دستور الکاتب، تاش آمده است). ماکان به طبرستان پناهنده شد و سپس در ری به محاصره افتاد و در آن جا در ۲۱ ربیع الاول ۳۲۹ کشته شد. (اقبال، عباس، تاریخ مفصل ایران، به کوشش محمد دبیرسیاقی، ناشر کتابخانه خیام، ص ۳۶-۱۲۸)

۱۹. دستور الکاتب، ص ۱۰۷.